

# Clarifying the Issue of "Wife Beating" in Light of the Quran's Approach to Domestic Violence

Alireza Nobari

Assistant Professor, Faculty of Islamic Theology and Studies, University of Tehran, Tehran, Iran,  
[a.nobari@ut.ac.ir](mailto:a.nobari@ut.ac.ir)

Doi: 10.22034/iscw.2023.713426

*Orgina*

*Research*

Received:

2022-02-27

Accepted:

2023-09-16

Keywords:

Domestic  
Violence,  
Wife  
Beating,  
Verse 34 of  
Surah Nisa

**Abstract:** Domestic violence is a serious concern for academic disciplines that focus on the family. The Holy Quran, as a divine source, encompasses discussions on the family, generally aiming to structure this central institution of human society. This research evaluates the issue of domestic violence, focusing on the clarification of the "wife beating" dilemma, to provide a Quranic perspective on this issue. In response to this dilemma, the material is organized on two levels: 1. Comprehensive Analysis: A comprehensive analysis of the Quran's approach to domestic violence and how to manage the thoughts of human society to move away from this inhumane culture is presented. In this section, it is proven that the Quran has strived to organize all the factors that shape domestic violence through a culture-building process. 2. Intra-Textual Analysis: An intra-textual analysis of verse 34 of Surah Nisa is provided. This interpretation, which takes into account the Quran's general view of domestic violence, clarifies that the mentioned verse does not support violence in the family. Instead, it prescribes the husband's action in this regard within the framework of family health and places the husband in the position of a ruler aware of Islamic laws.

## تبیین مسئله «تجویز ضرب زنان» با توجه به راهبرد قرآن در موضوع خشونت

### خانوادگی

### علیرضا نوبری

استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران a.nobari@ut.ac.ir

DOI: 10.22034/iscw.2023.713426

**چکیده:** خشونت خانوادگی از دغدغه‌های جدی دانش‌هایی است که موضوع خانواده را محور پژوهش قرار می‌دهند. قرآن کریم به عنوان منبعی و حیاتی، در حوزه خانواده دربرگیرنده مباحثی است که جهت کلی آن به سوی ساختارسازی در این نهاد محوری جامعه انسانی است. در این پژوهش موضوع خشونت خانوادگی با محوریت تبیین شبهه ضرب زنان، مورد ارزیابی قرار گرفته است تا بیان‌گر پاسخی برای این شبهه از نگاه قرآن باشد. در پاسخ به شبهه مطالب در دو سطح سامان یافته است: در مرحله نخست تحلیلی فراگیر از رویکرد قرآن به مسئله خشونت خانوادگی و چگونگی مدیریت افکار جامعه انسانی برای عبور از این فرهنگ غیر انسانی ارایه شده است. در این بخش اثبات گردید قرآن در فرایندی فرهنگ ساز تلاش کرده است تا همه زمینه‌های شکل‌دهنده خشونت خانوادگی را سامان بخشد. در مرحله بعد تحلیلی درون‌متنی از آیه ۳۴ سوره نسا ارایه شده است. این تبیین که با در نظر گرفتن دیدگاه کلی قرآن درباره خشونت خانوادگی انجام گرفته است، مشخص می‌سازد آیه مذکور مؤید خشونت در خانواده نیست بلکه تجویز اقدام شوهر در این باره، در راستای سالم سازی خانواده و شوهر را در جایگاه حاکم آگاه به قوانین اسلامی قرار داده است.

صص:

۲۵۹-۲۸۵

مقاله:

علمی پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۶/۲۵

کلید واژه‌ها:

خشونت خانوادگی،

ضرب زنان،

آیه ۳۴ سوره نساء

### مقدمه

خشونت خانوادگی پدیده‌ای است که تاریخی به درازای تاریخ خانواده دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۲۶۱) در برخی از موارد چنین به نظر می‌رسد که این پدیده جنبه فرهنگی به خود گرفته است به گونه‌ای که یک جامعه مشخص در رفتاری نسبتاً هماهنگ به چنین رفتاری در خانواده اقدام می‌کنند. گرچه بررسی‌ها نشان می‌دهد این پدیده اختصاص به سرزمین و جامعه خاصی ندارد اما جامعه جزیره‌العرب؛ که محل نزول قرآن کریم است، به شکل فزاینده‌ای به این فرهنگ ضد انسانی دچار بوده است. قرآن کریم در فرایندی فرهنگ‌ساز و در راستای اهداف بلند مدت خود اقدام به بازسازی این فرهنگ در جامعه انسانی کرده است و تلاش نموده است تا ضمن نشان دادن ضعف‌های چنین فرهنگی، به فرهنگ جایگزین با محوریت حفظ نظام خانواده به همراه هویت‌بخشی به جایگاه والای انسان، پردازد.

پژوهش حاضر با روشی تحلیلی - تبیینی نسبت به آیات ناظر، تلاش می‌کند تا در فرایندی منسجم ضمن نشان دادن رویکرد کلی قرآن به این موضوع، به شبهه ضرب زنان در آیه ۳۴ سوره نساء پاسخی جامع دهد. براینکه این پژوهش نشان می‌دهد قرآن کریم هیچ نوع خشونت خانوادگی را تجویز نکرده است و آیه مورد نظر نیز دربرگیرنده تجویز خشونت علیه زنان نیست.

### مفهوم‌شناسی

خشونت در لغت به معنی زبری است که در گفتار و رفتار منعکس می‌گردد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴/۱۷۰) این واژه ضد لینت و نرمی است (جوهری، ۱۴۱۰: ۵/۲۱۰۸)

داتون (۱۹۹۵) معتقد است که خشونت خانوادگی یک رفتار آموخته شده است که هرگونه عمل یا کلماتی که به شخص دیگر آسیب می‌رساند را در بر می‌گیرد، یا با به کارگیری تهدیدات، زور، آزار فیزیکی، جنسی، عاطفی، اقتصادی و کلامی کسب می‌شود (هنرپروران، ۱۳۸۸: ۳۸) در تعریفی دیگر از سوزان شاکتر و آن‌گنلی خشونت خانوادگی عبارت از رفتارهای هجومی و سرکوب‌کننده‌ای است که همراه با حمله‌های فیزیکی، جنسی و روانی باشد و نیز اعمال فشارهای اقتصادی توسط افراد، نسبت به افرادی که با او ارتباط تنگاتنگ دارند. (فنی، ۱۳۷۸: ۱۰۲)

خشونت خانوادگی اصطلاحی است که انواع خشونت در میان اعضای خانواده را مانند خشونت با کودکان، خشونت میان دو زوج، خشونت بین فرزندان و خشونت با والدین، در برمی گیرد.

در واقع می توان گفت: «خشونت واکنشی تحکم محور در مواجهه افراد با دیگران است که بیان گر رفتاری نامتعارف بوده و زمینه ساز رفتاری است که با اصول حاکم بر روابط میان - فردی جوامع انسانی منافات دارد.» این حالت در مواردی منجر به شکل گیری برخوردهای فیزیکی نیز می شود گرچه نمی توان خشونت را به این نوع رفتار محدود کرد. با توجه به تعریفی که از خشونت ارایه شد رفتار هر کدام از دو زوج می تواند مصداق رفتار خشن قرار گیرد. بر اساس این تعریف رفتارهایی که جهت تأدیب فرد خاطی یا تعزیر او به جهت خروجش از دایره ضوابط و رفتارهای متعارف انجام می گیرد مصداق خشونت نخواهد بود. بنابراین قصاص فرد جانی یا اجرای حدود درباره فردی که قوانین رفتاری را نادیده گرفته است از دایره مفهومی خشونت خارج است. البته این نکته زمانی است که خشونت به مذموم و ممدوح قابل تقسیم نباشد. چنانچه این تقسیم را بتوان از روایات و آیات موجود استنباط کرد می توان مواردی که در بالا از مفهوم خشونت خارج شد را ذیل مفهوم خشونت ممدوح قرار داد.

در این نوشتار منظور از خشونت، رفتاری خارج از محدوده کارکردهای خانواده است که یکی از دو زوج در مقابل دیگری انجام می دهد مانند عدم پرداخت نفقه یا مهریه از سوی مرد و یا عدم توجه هر کدام از دو زوج نسبت به کارکرد خانواده در تنظیم روابط جنسی.

### مصداق شناسی خشونت در منابع اسلامی

با توجه به آیه شش سوره طلاق که به موضوع وجوب نفقه زن مطلقه بر مرد اشاره دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴۶/۲۴) لازم است گفته شود خودداری از پرداخت نفقه و دیگر واجبات مالی به زن می تواند مصداق خشونت باشد زیرا بعد از امر به تهیه مکان مناسب زندگی برای زن، از اضرار به او نیز نهی می کند که با توجه به سیاق موجود، این اضرار بخاطر عدم توجه مرد به چنین ضرورتی اتفاق می افتد بر این اساس با قیاس اولویت باید گفت عدم توجه مرد به واجبات مالی نسبت به همسر نیز مصداق خشونت خانوادگی خواهد بود.

این نوع از خشونت که در واقع به نادیده گرفتن وظایف مورد انتظار از ازدواج توسط یکی از دو زوج یا هردو باز می‌گردد، زمینه‌ای جدی را برای شکل‌گیری آسیب خانوادگی فراهم می‌کند. گرچه ممکن است برخی مفهوم خشونت خانوادگی را در رفتارهای جنسیتی منحصر سازند ولی به نظر می‌رسد با توجه به تعریف ارائه شده از خشونت چنین انحصاری دلیل قانع‌کننده‌ای نداشته باشد بلکه در مواردی نیز به علت سرکشی زن از انجام وظایف مورد انتظار در روابط زناشویی، چنین رفتاری می‌تواند مصداق خشونت خانوادگی باشد.

شاید بتوان از آیه « فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ... » (آل - عمران/۱۵۹) که موضوع خشونت را در واژه "فظاً غلیظ‌القلب" مفهوم‌سازی کرده است - زیرا این مفهوم را در مقابل لینت آورده است و در مفهوم‌شناسی مشخص شد که خشونت مفهومی در مقابل لینت است - نیز این برداشت را داشت که چنین رفتاری می‌تواند مصادیق متعددی اعم از رفتار و گفتار داشته باشد چراکه "فظ" خشونت‌گفتاری و "غلیظ‌القلب" خشونت رفتاری را می‌رساند (مکارم شیرازی، همان: ۱۴۱/۳)

همچنین با توجه به دستورالعمل موجود در آیه دانسته می‌شود که خشونت نوعی واکنش رفتاری است که از فرد صادر می‌شود؛ واکنشی که در آن نوعی سلطه‌جویی وجود دارد. به نظر می‌رسد این نوع سلطه‌جویی می‌تواند ناظر به تصور فرد از جایگاه خود در برابر فرد دیگر نیز باشد. از مصادیق این نوع می‌توان به رفتارهای نامتعارف زن در برابر همسر نام برد که در زبان قرآن با نام نشوز مفهوم‌سازی شده است. تصویری که با حکم «الرجال قوامون علی النساء» هم‌سوئی ندارد و جایگاه مراقبتی و محافظتی مرد را به چالش می‌کشد.

از بررسی برخی روایات چنین دانسته می‌شود که حتی نصیحت نیز می‌تواند مصداق خشونت تلقی گردد: « أَبَانَ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ جَاءَ قَوْمٌ بِخُرَّاسَانَ إِلَى الرَّضَاعِ فَقَالُوا إِنَّ قَوْمًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ يَبْعَاطُونَ أُمُورًا قَبِيحَةً فَلَوْ نَهَيْتَهُمْ عَنْهَا فَقَالَ لَا أَفْعَلُ فَقِيلَ وَ لِمَ؟ فَقَالَ لِأَنِّي سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ النَّصِيحَةُ حَسَنَةٌ » (گروهی نزد حضرت رضا (ع) در خراسان رفتند. آن‌ها به حضرت عرض کردند افرادی از منسوبین شما کارهای ناشایستی انجام می‌دهند چرا آن‌ها را از این کارها نهی نمی‌کنید؟ حضرت فرمودند این کار را نمی‌کنم زیرا از پدرم شنیدم که نصیحت خشونت است.) (قمی، ۱۳۸۶ ه. ق. ۵۸۲/۲) به نظر می‌رسد نصیحتی که مصداق خشونت دانسته شده است نصیحت در غیر زمان مناسب و بدون در نظر گرفتن شرایط تأثیر باشد.

این احتمال از سوی برخی صاحب نظران نیز داده شده است. (محقق سبزواری، ۱۴۲۳: ۴۰۵/۱)

### مقابله قرآن با خشونت خانوادگی

خشونت خانوادگی می تواند به عنوان یک فرهنگ عمومی در جامعه مورد ارزیابی قرار گیرد. این حالت زمانی است که رفتارهای موازی و هم شکل با قالب تعریف شده خشونت، از افراد جامعه بروز و ظهور می یابد. البته همیشه خشونت جنبه فرهنگی ندارد بلکه ممکن است صرفاً رفتاری باشد که به صورت مقطعی از افراد سر می زند. بررسی آیات قرآن نشان از آن دارد که مبارزه با این آسیب از برنامه های محوری دستورالعمل های آن بوده است. برخی از این برنامه ها جنبه بازسازی زمینه های بروز و ظهور خشونت دارد و برخی دیگر ورود جدی به مصادیق خشونت پیدا کرده است. در ادامه به برخی از این برنامه ها اشاره می شود:

#### ۱- برنامه های فرهنگی و زمینه ساز

##### الف: ترویج محبت خانوادگی

بررسی آیات و روایات نشان از آن دارد که یکی از مهم ترین راهکارهای قرآن در این باره ترویج فرهنگ محبت و عطف در خانواده است. در منابع دینی، توصیه های موجود در این مسئله بر این نکته تمرکز یافته اند تا فرهنگ همراهی و رفتار محبت محور را جایگزین فرهنگ تندخویی و یک جانبه گری کنند. در ادامه به مواردی از این تلاش ها اشاره می شود:

#### • رفتار معروفانه به جای اجبار در پذیرش

سوره نساء را باید سوره دفاع از حقوق زنان و دارای برنامه ای منظم در تحول فرهنگ جامعه بشری به نفع زنان دانست. آیه نوزدهم این سوره ضمن بیان نوعی خشونت رفتاری مبتنی بر فرهنگ جامعه، به بیان دستورالعملی اختصاص یافته است که چگونگی رفتار با زنان را در خانواده در نمایی کلی به بحث می گذارد. فرهنگ مردسالار دوران نزول چنین بوده است که زن به عنوان موردی از موارد ارث بعد از فوت همسر به یکی از وراث داده می شد. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲۸۰/۲؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۲۰۹/۲) این آیه چنین رفتار خشونت باری را مورد نهی شدید قرار داده و آن را برای جامعه ایمانی ممنوع اعلام می کند و رفتار جایگزینی را با ابلاغی دستوری به جای آن پیشنهاد می کند. این دستور رفتار معروفانه با زنان در خانواده است. از آن جا که آیه به دنبال تغییر یک فرهنگ است از استقامت جامعه نسبت به

نپذیرفتن این حکم خبر می‌دهد ولی با این وجود بر تغییر رفتار تأکید مجدد می‌کند تا افکار عمومی حکم جایگزین را راحت‌تر بپذیرند. دستور کلی لزوم رفتار معروفاانه با زنان بیان این نکته است که جامعه باید زن را عضو محوری خود تلقی کند و جامعه را از این‌که با او به عنوان عضوی پست در جامعه و یا به عنوان شیئی مانند دیگر اشیاء رفتار کند باز می‌دارد. (طباطبایی، همان: ۲۵۳/۴).

### • صبر بر بد اخلاقی

از دیگر اقدامات فرهنگی اسلام برای این منظور، تشویق جامعه به بردباری در برابر همسران بد اخلاق است. بردباری به معنی دوری از خشونت در برخورد است که بر اساس آموزه‌های دینی چنین رفتاری در خانواده پاداشی معادل پاداش شاکران را به همراه دارد: «أَلَا وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيَّئَةِ الْخُلُقِ وَ احْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ نَوَابِ الشَّاكِرِينَ أَلَا وَ أَيُّمَا امْرَأَةٍ لَمْ تَزْفُقْ بِرُؤُوسِهَا وَ حَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ مَا لَا يُطِيقُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا حَسَنَةً وَ تَلَقَى اللَّهُ الْعِزَّ وَ الْجَلَ وَ هُوَ عَلَيْهَا غَضْبَانٌ» این روایت که به موضوع خشونت‌های خانوادگی با محوریت زنان پرداخته است ضمن محکوم کردن چنین رفتارهای بی‌منطق و خشونت-محوری از سوی زنان، به مردان توصیه می‌کند برای رسیدن به مقامات معنوی لازم است چنین برخوردهایی را با محبت پاسخ دهند. پاسخ‌های محبت‌محور در مقابل بد اخلاقی افراد خانواده می‌تواند زمینه تغییر را در طرف مقابل فراهم سازد.

از سوی دیگر به زنان متأهل نیز نسبت به بد اخلاقی همسران، توصیه به بردباری می‌کند و چنین کاری را معادل جهاد در راه خداوند می‌داند: « قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرَّجَالِ وَ النِّسَاءِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَدْلُ مَالِهِ وَ نَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ جِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَ غَيْرِ تَه. » (کلینی، همان: ۹/۵) این روایت توضیح می‌دهد که احکام الهی برای زنان و مردان به طور مساوی صادر شده است ولی شکل و نوع عمل در آن‌ها متفاوت است. جهاد در راه خداوند و به منظور اعتلای فرهنگ الهی از زیباترین جلوه‌های محبت به جامعه بشری است. این آموزه در واقع نشان می‌دهد انسان‌های مؤمن

باید از روی خیرخواهی موانع رشد و آگاهی انسان‌ها را نسبت به دین الهی از میان بردارند این کار با تلاشی مستمر و جان‌بخشی و مال‌بخشی جامعه شکل می‌گیرد. از آن‌جا که چنین اقدامی همراه با سختی است برای زنان در همین سطح از فضیلت رفتار جایگزین قرار داده است این رفتار جایگزین بردباری زن در برابر بد اخلاقی‌های همسر دانسته شده است. آنچه دو دستور را به هم نزدیک می‌کند وجود نوعی سختی در کار و لزوم تلاش افراد برای به ثمر رساندن فعالیت خواسته شده است. در روایتی دیگر جهاد زن را خوب همسرمداری معرفی کرده‌اند (سید رضی، ۱۴۱۴: ۶۸۰) که به مجموعه‌ای از رفتارهای مهرورزانه در خانواده اشاره دارد.

### • معرفی الگوهای برتر

از دیگر موارد تلاش دین برای جایگزین کردن فرهنگ محبت در خانواده، معرفی الگوهای رفتاری در جامعه ایمانی است. یکی از این نمونه‌ها، معرفی مردانی است که در خانواده رفتارهای شایسته‌ای با اهل خانه دارند. در روایتی آمده است بهترین شما کسانی است که نسبت به اهل خود بهترین باشد. در واقع معیار بهتر بودن در این روایت نوع رفتاری است که در محیط خانه از انسان صادر می‌شود: « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي » (پیامبر خدا(ص) فرمودند بهترین شما کسی است که نسبت به اهل خانه خود بهترین باشد و در این میان من بهترین شما در این گونه رفتار هستم) (صدوق، ۱۴۱۳: ۵۵۵/۳) پیامبر اکرم (ص) در این سخن ضمن معرفی خود به عنوان الگوی رفتاری نشان می‌دهد که خود چگونه با همسرانش رفتار می‌کند به گونه‌ای که هیچ فرد دیگری توان همسانی با وی را در این باره ندارد.

### ب: تقویت زمینه‌های رفع خشونت

از دیگر برنامه‌های منسجم قرآن کریم برای رفع خشونت‌های خانوادگی تقویت زمینه‌هایی است که موجب کم کردن رفتارهای خشن در خانواده می‌گردد. این برنامه‌ها تنوع قابل ملاحظه‌ای دارند که در ادامه به چند مورد آن اشاره می‌شود:

### • تأکید بر ضرورت برقراری روابط سالم جنسی

از بررسی آیات و روایات مشخص می‌شود برنامه منظمی جهت آشناسازی جامعه ایمانی نسبت به اهمیت این رابطه در خانواده و چگونگی انجام آن در آموزه‌های دینی طراحی شده است. برای نمونه می‌توان به آیه ۱۸۷ سوره مبارکه بقره اشاره کرد. این آیه در برگزیده نکات مهمی درباره جایگاه چنین ارتباطی در نظام خانواده است که نشان می‌دهد دین الهی هر نوع خشونت ضمنی را نیز در این باره بر نمی‌تابد. در این آیه ضمن تأکید بر اصل ضرورت وجود این رابط، درباره کیفیت آن نیز به طور استعاری نکاتی را بیان کرده است.

#### • تأکید بر فراهم‌سازی ارضای نیازهای عاطفی در خانواده

قرآن آغاز دوره جدید زندگی در خانواده را هم زمان با شکل‌گیری مودت و رحمت میان دو زوج می‌داند (روم/۲۱) توجه به این نکته مهم است که وجود محبت و روابط دلگرم‌کننده در خانواده، لازمه زندگی مشترک و رمز موفقیت خانواده است. محبت نیز مانند دیگر امور ارزشمند، نیازمند مراقبت و محافظت است. این نکته مهم است که دانسته شود گرچه محبت با آغاز زندگی ایجاد می‌گردد ولی استمرار آن نیازمند دانش کافی و تلاش هدفمند است. (حسن‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۲۲) تأکید قرآن بر توجه دو زوج نسبت به روابط عاطفه‌محور نشان از جایگاه این نوع رفتار در اثربخشی و استمرار نهاد خانواده دارد. عاطفی‌گرایی به عنوان نوعی نیاز در انسان ضرورت توجه دو زوج را بر ارضای به موقع آن مورد تأکید قرار می‌دهد. در واقع عدم توجه به این نیاز می‌تواند زمینه گسست خانواده و تلاش افراد آن را برای ارضای این نیاز از مسیرهایی در خارج از خانواده فراهم می‌سازد. (فلاحیان، میکائیلی، یوسفی مریدانی، ۱۳۹۸: ۵۹-۷۶)

برخی بررسی‌های صورت گرفته در روان‌شناسی از این حکایت دارد که نیازمندی‌های عاطفی از جمله بنیادی‌ترین نیازهای بشری است (افروز، ۱۳۹۹: ۱۱-۲۰) همه اعضای خانواده انتظار دارند تا به این نیازشان مانند دیگر نیازهایشان در فرایند رفتار میان‌فردی خانواده پاسخ داده شود. قرآن و روایات با تعابیر مختلف این وظیفه مهم را به همه اعضای خانواده خاطر نشان کرده‌اند. رفتارهای معروفانه، همچون لباس برای هم بودن، ابراز سخنان محبت‌آمیز و ده‌ها مورد دیگر از این رابطه مهم در خانواده حکایت دارد که لازم است جامعه ایمانی نسبت به این وظیفه خود را ملزم سازد.

### • ممنوعیت ارضای جنسی در خارج از چارچوب نظام خانواده

روابط خارج از چارچوب نهاد خانواده را با عنوان بی‌وفایی کدگذاری می‌کنند. (همان) قرآن و روایات چنین روابطی را مورد نهی شدید قرار داده‌اند. برای تحقق این منظور، دستورالعمل‌هایی را نیز بیان کرده‌اند مانند ممنوعیت چشم‌چرانی (نور/۳۰ و ۳۱)

قرآن کریم دوستی‌های خارج از روابط متعارف زن و مرد را با نام «اتخاذ اخدان» نامیده است؛ یعنی زن دوست پسر و مرد دوست دختر داشته باشد (مائده/۵ و نساء/۲۵) و از آن به شدت نهی کرده است تا کارکرد نهاد خانواده روند منطقی خود را از دست ندهد.

### • ممنوعیت استفاده از مشروبات الکلی

خشونت فرایند رفتاری است که شکل‌گیری آن مترتب بر علل و عوامل مختلفی است. یکی از این عوامل موردی است که می‌تواند زمینه برهم خوردن تمرکز اعصاب را فراهم آورد آن هم استعمال موادی است که انسان را از خود بی‌خود کرده و باعث می‌شود فرد عواقب رفتار خود را پیش‌بینی نکند. از بارزترین نمونه‌های مست‌کننده، الکل است. آیاتی بر ضرورت دوری افراد جامعه از استعمال چنین مأكولات یا مشروباتی دلالت دارند. (بقره/۲۱۹ و مائده/۹۰ - ۹۱ و اعراف/۳۳) قرآن کریم برای معرفی چنین موادی از واژه خمر استفاده کرده است. خمر به معنی پوشش یا پوشاندن است (مصطفوی، همان: ۱۲۷/۳) نام‌گذاری این موارد به خمر نوعی توسعه معنایی است تا نشان دهد استفاده از هر ماده‌ای که باعث از کار افتادن تعقل باشد ممنوع است. از آن‌جا که خشونت می‌تواند نتیجه لحظه‌ای دور شدن از عاقبت‌اندیشی باشد، در بسیاری از موارد بعد از استفاده از چنین موادی اتفاق می‌افتد. ممنوعیت استفاده از این موارد می‌تواند عامل مهمی در کنترل خشونت باشد. آیه نود و یک سوره مائده به صراحت از نتیجه استفاده از این مواد سخن می‌گوید و شکل‌گیری دشمنی و کینه را در روابط میان‌فردی نتیجه آن می‌داند. بنابراین آن‌چه به طور یقین می‌توان درباره علت ممنوعیت این موارد گفت سالم‌سازی محیط است از هر آن‌چه می‌تواند تشنج و جدایی را ایجاد کند. کینه و دشمنی نمونه‌هایی از جدایی افراد و تنفر میان آن‌هاست. به نظر می‌رسد قرآن با این ممنوعیت در تلاش است تا زمینه‌های بروز و ظهور اختلاف را از جامعه ایمانی از بین ببرد.

### ج: ترمیم فرهنگ عمومی

سومین اقدام قرآن در رفع خشونت خانوادگی طراحی برنامه‌هایی است که به مرور باعث ترمیم شکاف فرهنگی جامعه می‌شود. در ادامه به برخی از این برنامه‌ها اشاره می‌شود:

#### • ترمیم فرهنگ پسرخواهی و دخترستیزی

بنابر ضرورت و اهمیت موضوع، قرآن کریم اقدام به گزارشی نسبت به فرهنگ مرتبط با موضوع خانواده در دوران نزول کرده است. در این گزارش نشان داده شده است که جامعه آن روز چه واکنشی نسبت به جنس فرزندان به دنیا آمده نشان می‌داده است. نوع واکنش خانواده‌ها هنگامی که خبر به دنیا آمدن دختری در خانواده به آن‌ها داده می‌شد نشان می‌دهد فرهنگ عمومی آن روزگار دیدگاهی منفی نسبت به جنس مؤنث داشته است (نحل/ ۵۸ و ۵۹) بیان توبیخی قرآن نسبت به دو عکس‌العمل فردی و اجتماعی؛ سیاه شدن چهره و فرار از اجتماع بعد از شنیدن خبر دختردار شدن، نشان از عمق فاجعه فرهنگی دارد که روابط خانوادگی را در جزیره‌العرب آن روزگار دست‌خوش انحطاط و گسست کرده بود. (مکارم شیرازی، همان: ۲۷۱/۱۱؛ طباطبایی، همان: ۲۷۷/۱۲) دختر ستیزی طیف گسترده‌ای از خانواده‌های آن زمان، جایگاه زن را در خانواده دچار تزلزل و خشونت نسبت به جنس مؤنث را فرهنگی پسندیده معرفی می‌کرد. قرآن کریم در چند آیه به نقد جدی این رویکرد پرداخته و تلاش کرده است جامعه ایمانی را از این انحطاط فرهنگی برهاند. (تکویر/ ۸ و ۹) برای این منظور علاوه بر نقد فرهنگ موجود، با بیان‌های مختلف، فرهنگی متعالی درباره روابط سالم میان فردی در خانواده را جایگزین آن کرد و نشان داد که در خانواده، هر فرد چه کارکرد محوری دارد و چگونه باید در تعاملی سازنده به رشد معنوی هم‌دیگر کمک کرد.

#### • ترمیم فرهنگ تهمت‌زنی به زنان

از موارد دیگر زمینه‌ساز خشونت‌های خانوادگی در جامعه آن روزگار، فرهنگی بود که بر اساس آن مردان بدون وجود ادله کافی به همسران خود تهمت‌هایی مبنی بر داشتن روابط نامشروع می‌زدند این فرهنگ با نام قذف شناخته می‌شود. قذف در لغت به معنی پرتاب کردن به سوی يك نقطه دور دست است، ولی در این گونه موارد- مانند کلمه رمی- کنایه از متهم ساختن کسی به يك اتهام ناموسی است، و به تعبیر دیگر عبارت از فحش و دشنامی

است که به این امور مربوط می‌شود. (مکارم شیرازی، همان: ۳۷۵/۱۴) قرآن کریم ضمن نکوهش این فرهنگ با ابلاغ دستورالعمل‌هایی تلاش کرده است تا جامعه را از استمرار این نوع حرمت‌شکنی‌ها نسبت به جایگاه زن در خانواده باز دارد. (همان)

### • ترمیم فرهنگ تملک زنان بیوه

از بررسی آیات قرآن درباره روابط خانوادگی زمان نزول به دست می‌آید یکی از فرهنگ‌های آن دوره که زمینه‌ساز تجویز خشونت خانوادگی علیه زنان بود امکان تملک زن بیوه توسط افراد ذکور خانواده بوده است. (نساء/۱۹-۲۲) بنابر آنچه در تفسیر این آیات آمده است، باید گفت جریان فرهنگی با محوریت نهادینه‌سازی خشونت علیه زنان در آن روزگار مورد حمایت بوده است. فرهنگ عمومی دوره جاهلیت به گونه‌ای بود که چون پدری از دنیا می‌رفت، زن او به عنوان يك کالا به پسر بزرگش به عنوان ارث واگذار می‌شد (مدرسی، ۱۳۷۷: ۴۷/۲) قرآن کریم در این آیات ضمن ممنوع دانستن چنین اقدام غیرمسئولانه‌ای جامعه را به عدالت رفتاری و تغییر چنین فرهنگ خشونت‌محوری تشویق می‌کند و چنین تحول اجتماعی را مایه برکت و خیر اجتماعی معرفی می‌کند. قرآن با بیان و بازتاب این فرهنگ نشان داده است که این گونه رفتارها در خانواده نوعی بیماری اجتماعی است زیرا به تصریح آیه: ۸۲ سوره اسرا و آیه ۵۷ سوره یونس، همه محتوای قرآن درمان دردهایی جامعه بشری است بنابراین تذکر به چنین مواردی نشان از مشکلی اجتماعی دارد که قرآن به دنبال ترمیم و بازسازی آن است. در این باره تلاش می‌کند تا جامعه انسانی را از آن پاک و فرهنگ مبتنی بر محبت، اکرام و بزرگداشت زن را جایگزین آن نماید.

### ۲- بازسازی مصادیق خشونت خانوادگی

قرآن کریم بعد از فضاسازی و فرهنگ‌سازی برای دور کردن جامعه از خشونت‌های خانوادگی، اقدام به تجزیه و تحلیل موقعیت‌ها و مصادیقی می‌کند که در آن به صورت موردی جامعه انسانی دچار رفتار خشن درباره زنان شده است. در ادامه این موضوع در دو عنوان مستقل بررسی می‌گردد:

#### الف: نفی خشونت‌های بدنی

این نوع خشونت ناظر به رفتارهای خارج از متعارفی است که جامعه علیه زنان در خانواده به کار بسته و خود را نسبت به پیامدهای آن مسئول نیز نمی‌دانست.

## • نفی آزار رسانی به والدین

از مواردی که در آموزه‌های قرآن و روایات به صورت جدی مورد بازخواست و نکوهش قرار گرفته است اقدامات خشن علیه پدر و مادر است. در این باره گاهی به نفی هر گونه رفتار نامتعارف و خشنی، در برابر این نوع رفتار هشدار می‌دهد و حکم را در پایین‌ترین سطح از خشونت نگه می‌دارد تا رفتارهای خشن‌تر به طریق اولویت کنار گذاشته شود. این گونه بیان‌ها نشان از حساسیت موضوع و تأکید بیشتر نسبت به مسئله احترام به والدین دارد. آیه ۲۳ سوره اسرا، موضوع نهی از خشونت خانوادگی را در سیاق امر به توحیدگرایی قرار داده است تا شکل‌گیری فرهنگ توحیدی را همراه با لوازم رفتاری مبتنی بر آن به جامعه گوشزد نماید. ایمان توحیدی که بی‌توجه به رفتار مؤمنانه باشد کارکرد لازم را نخواهد داشت. این آیه علت لزوم دور شدن جامعه از خشونت درباره پدر و مادر را قدردانی از زحمات آن دو می‌داند، بنابراین در خانواده آن‌چه باید معیار رفتار باشد قدردانی از زحمات اعضای آن است از آن‌جا که معمولاً در خانواده اعضا نسبت به هم رفتارهای تأیید کننده و پشتیبان‌محور انجام می‌دهند پس لازم است رفتارهای خشن کنار گذاشته شود و به جای آن سخنان نیکو در روابط میان فردی جایگزین گردد. این موضوع در چند آیه دیگر هم مورد تأکید قرار گرفته است (انعام/۱۵۱؛ لقمان/۱۳ و ۱۴؛ اسراء/۲۴) علامه طباطبایی تبیین مناسبی را برای این تأکیدها انجام داده است:

« برای اینکه جامعه انسانی که هرگز انسان نمی‌تواند بدون آن زندگی و دین داشته باشد امری است اعتباری و قراردادی که در حدوث و بقای خود بستگی به محبت نسل دارد، و محبت نسل نیز سرچشمه‌ی آن رابطه و علاقه‌ای است که در بین ارحام رد و بدل می‌شود، و معلوم است که مرکز این رابطه خانواده است و قوام خانواده از یک طرف به پدر و مادر است و از طرفی دیگر به فرزندان، و فرزندان موقعی احتیاج به رحمت و رأفت پدر و مادر دارند که پدر و مادر طبعاً مشتاق اولاد و شیفته پرورش آنانند، به خلاف پدر و مادر که احتیاجشان به فرزندان موقعی است که پیری عاجز و زبونشان ساخته و از اینکه مستقلاً به ضروریات زندگی خود قیام کنند بازشان داشته. بر عکس، فرزندان به عنفوان جوانی رسیده و می‌توانند حوایج پدر و مادر را برآورده کنند. و معلوم است که در چنین روزهایی جفای اولاد نسبت به آنان و متعارف شدن این جفا کاری در میان همه فرزندان نسبت به همه پدران و

مادران باعث می‌شود عواطف تولید شده و تربیت صورت گرفته به کلی از جامعه رخت بریسته و کسی رغبت به تناسل و تربیت فرزند پیدا نکند، و افراد از تشکیل جامعه کوچک که همان خانواده است خودداری کنند، در نتیجه از نسل بشر تنها طبقه‌ای باقی بماند که در بینشان قرابت رحم و رابطه خویشاوندی وجود نداشته باشد. و پر واضح است که چنین جامعه‌ای به سرعت رو به انقراض گذاشته دیگر هیچ قانون و سنتی فساد روی آورده را جبران نمی‌کند، و سعادت دنیا و آخرت از آنان سلب می‌شود. «(طباطبایی، همان: ۳۷۳/۷)

قرآن برای نهادینه کردن فرهنگ محبت و عطوفت در خانواده و برای نشان دادن رفتار تراز دینی به ذکر نموده‌هایی از رفتار مناسب در خانواده با والدین از سوی الگوهای رفتاری جامعه انسانی یعنی پیامبران اقدام کرده است. (یوسف/۹۹ و ۱۰۰)

### • نفی کودک‌کشی

کودک‌کشی رفتاری ناپسند است که در دوران نزول قرآن جامعه بشری را دستخوش انحطاط و فرو رفتن در بی‌عاطفگی در نهاد خانواده کرده بود. قرآن کریم در فرایندی هدفمند به بازسازی این فرهنگ خشونت‌محور اقدام کرده است و بعد از بررسی علل احتمالی بروز و ظهور این فرهنگ، برای مقابله با آن دستورالعمل‌هایی داده است. آیه ۱۳۷ سوره انعام نمونه‌ای از این آیات است. به نظر می‌رسد این آیه زمینه‌های تهاجم فرهنگی را در پذیرش چنین رفتاری مؤثر دانسته است. پذیرش باورهای غیر منطقی مانند بت‌پرستی، پذیرش لوازم آن را نیز ضروری می‌سازد. برخی تفاسیر مشوقان چنین فرهنگ خشونت‌باری را خادمان بت‌کده‌ها دانسته‌اند. (طباطبایی، همان: ۳۶۱/۷) قرآن پیامد پذیرش چنین فرهنگی را هلاکت جامعه می‌داند. در واقع ترویج این فرهنگ با هدف هلاکت همه جامعه انجام شده است. این تعبیر با مقوله تهاجم فرهنگی بیشتر هم‌خوانی دارد تا این که گفته شود بت‌ها عامل تحریک فرزندکشی در میان مشرکان بوده است. در این آیه دین به معنای روش فطری زندگی است. این فرهنگ به مرور باعث خاموش شدن ندای فطرت فرزندخواهی و محبت به خانواده می‌گردد. (مدرسی، همان: ۱۷۹/۳) بنابراین این فرهنگ بیگانه می‌تواند به مرور زمینه از هم پاشیدگی خانواده را فراهم سازد که نتیجه آن گسست نظام اجتماعی خواهد بود.

از آیات قرآن به دست می‌آید فرزندکشی عوامل دیگری نیز داشته است. این منبع دینی ترس از فقر و نیازمندی اقتصادی را از عوامل اجتماعی این رفتار خشن خانوادگی دانسته و نسبت به آن هشدار می‌دهد: «قُلْ تَعَالَوْا ... وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ» (انعام/۱۵۱) این موضوع در آیات دیگر نیز مورد بحث قرار گرفته است (اسراء/۳۱) بررسی جامعه آن زمان پیچیدگی چنین رفتاری را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد تهاجم فرهنگی پیش‌گفته تأثیر خود را گذاشت به گونه‌ای که تاریخ شاهد گسترش چنین رفتاری درباره دخترکشی در برخی قبایل عرب بوده است. (مکارم شیرازی، همان: ۴۵۳/۵) قرآن برای ترمیم این فرهنگ ضمن ممنوع کردن آن (اسراء/۳۱ و ممتحنه/۱۲) به تبیین ماهیت این رفتار نیز اقدام کرده و زیرساخت‌های فکری آن را مورد بازبینی قرار داده است. ارایه دین فطری (روم/۳۰) و بازسازی باور توحیدی و تأکید بر پذیرش لوازم چنین باوری توانست چنین فرهنگی را در زمانی اندک بازسازی کند و آن را از جامعه دور سازد و فرهنگ خانواده‌گرایی و محبت درون خانوادگی را جایگزین آن سازد. تأکید بر تکمیل دوران شیردهی به فرزندان از راهکارهای ضمنی دورکردن جامعه از تفکر عقب مانده فرزندکشی است. (بقره/۲۳۳) همچنین گنجاندن شرط ممنوعیت فرزندکشی در یکی از بندهای بیعت با پیامبر اکرم (ص) از دیگر اقدامات سیاسی - اجتماعی اسلام برای عبور دادن جامعه بشری از این فرهنگ ضد انسانی است. (ممتحنه/۱۲)

### • ممنوعیت همسرآزاری

بررسی‌ها نشان می‌دهد همسر آزاری تاریخی طولانی دارد. نگاه کالایی به زن مورد نهی شدید قرآن قرار گرفته است که نشان می‌دهد در زمان نزول، چنین رویکرد خوارکننده‌ای درباره زنان وجود داشته است. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۴۰/۴؛ مراغی، بی‌تا: ۵۵/۳۰) علامه طباطبایی در تحلیلی مفصل به بازشناسی جایگاه زن در میان جوامع مختلف پرداخته است و نشان داده است که در همه جوامع اعم از پیشرفته و عقب مانده حتی جامعه جاهلی زمان نزول نگاه عمومی به زن نگاهی در سطح حیوان بوده است:

زندگی زن در امتهای قبائل وحشی، از قبیل ساکنین آفریقا و استرالیا و جزائر مسکون در اقیانوسیه و امریکای قدیم و غیر اینها نسبت به زندگی مردان نظیر زندگی حیوانات اهلی بود، آن نظری که مردان نسبت به حیوانات اهلی داشتند همان نظر را نسبت به زن داشتند،

و به زنان با همان دید می‌نگریستند... در این امتهای مرد می‌توانست زن خود را به هر کس که بخواهد بفروشد، و یا ببخشد و یا او را مانند يك کالا قرض دهد تا از او کام بگیرند، بچه‌دار شوند، یا به خدمت بگیرند و یا بهره‌هایی دیگر بکشند، و مرد حق داشت او را تنبیه و مجازات کند، کتک بزند، زندان کند، و حتی به قتل برساند، و یا او را گرسنه و تشنه رها کند... (طباطبایی، همان: ۲۶۱/۲)

ایشان با بررسی تاریخ رفتار با زن در جزیره‌العرب نشان می‌دهد این نوع رفتار در این سرزمین نیز تا حدودی وجود داشته است. قرآن کریم در این فضای خشونت‌محور جهانی، احکامی را درباره زنان صادر کرد که برای افکار عمومی تازگی داشت. دستورهای مکرر قرآن مبنی بر ضرورت داشتن رفتار معروفانه (نساء/۱۹) و عدالت‌محور با زن در خانواده و پرهیز از تعدی و ظلم به آن‌ها حتی زمانی که مستحق تعزیر باشند (نساء/۳۴) و اعطای ولایت اجتماعی برای آنان (توبه/۷۱) فرهنگ جدیدی را درباره نوع تعامل با زنان طرح‌ریزی کرد. برای این منظور در بسیاری از موارد در بیان نیز جنس مؤنث را مقدم کرده است تا اندیشه تقدم ذاتی مردان بر زنان را از جامعه بشری پاک کند. (سبزواری، ۱۴۰۶: ۳۳۲/۶)

### ب: نفی خشونت اقتصادی علیه زنان

گزارش‌های قرآنی و تاریخی نشان از آن دارد که خشونت علیه زنان محدود به خشونت‌های جسمانی و شخصیتی نبوده بلکه این روند شامل خشونت‌های مالی و اقتصادی نیز بوده است. در این باره موضوع در دو محور از نگاه اصلاحی قرآن قابل پیگیری است:

#### • رسمیت دادن به مالکیت زنان

قرآن کریم در موارد متعددی به موضوع مالکیت افراد جامعه پرداخته و در همین راستا مالکیت زنان را نیز به صورت مستقل مورد توجه قرار داده است: « وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ » (نساء/۳۲) این آیه مالکیت زن را در مقابل مالکیت مرد و به صورت مستقل مورد تأکید قرار می‌دهد تا نشان دهد زن دارای شخصیتی مستقل و ارزش‌های انسانی است که نباید از حقوقش باز داشته شود.

یکی از موارد کسب ثروت ارث‌بری افراد است. موضوع ارث‌بری زنان در چند آیه به صورت مستقل ذکر شده است (نساء/۱۱ و ۱۷۶) تا جامعه را نسبت به حقوق مالی آنان آگاه سازد.

آیه هفتم سوره نساء در مسئله ارث، با بیانی صریح زنان را مانند مردان دارای حق مالکیت دانسته و بنا به تفاسیر موجود در مقام باطل کردن اندیشه‌های جاهلی در این باره می‌باشد. تفسیر نمونه در تبیین این مطلب می‌نویسد:

این آیه در حقیقت گام دیگری برای مبارزه با عادات و رسوم غلطی است که زنان و کودکان را از حق مسلم خود محروم می‌ساخت، و بنا بر این مکمل بحثهایی است که در آیات سابق گذشت، زیرا اعراب با رسم غلط و ظالمانه‌ای که داشتند زنان و فرزندان خردسال را از حق ارث محروم می‌ساختند، آیه روی این قانون غلط خط بطلان کشیده ... (مکارم شیرازی، همان: ۲۷۵/۳)

از آن جا که ارث دادن نشان‌دهنده محبت افراد به خانواده است (مدرسی، همان: ۲۶/۲) تأکید قرآن بر ارث‌بری زنان می‌تواند بیانی برای زمینه‌سازی لزوم تداوم محبت در میان اعضای خانواده با محوریت برجسته‌سازی جایگاه زن در این مجموعه باشد. تأکید آیه بر ضرورت چنین مالکیتی برای زنان در کنار مردان را می‌توان از قید "قُلْ مِنْهُ أَوْ كَثُرٌ" دانست زیرا این قید نشان می‌دهد این حکم بیان‌گر حقی است که در اموال پدر و مادر برای همه فرزندان وجود دارد و نباید کسی از این حق محروم گردد.

از دیگر موارد حق مالکیت زنان (همسران) می‌توان به موضوع وجوب نفقه بر مردان اشاره کرد. این وجوب نشان می‌دهد مردان در اموال اختصاصی زنان حق تصرف ندارند بلکه لازم است نیازمندی‌های متعارف همسر را نیز با اموال خود برطرف سازند. همچنین این حکم نشان می‌دهد حقوق مالی زنان نسبت به مردان در جایگاهی بالاتر از مردان قرار دارد و این امکان را به زنان می‌دهد که از نظر اقتصادی نسبت به مردان پیشی بگیرند. چنین رویکردی در تاریخ بشر سابقه ندارد و تنها در احکام مبتنی بر فطرت دین اسلام به جامعه بشری عرضه شده است تا جایگاهی والا را برای زنان به اثبات برساند. مورد دیگری که زمینه فعالیت اقتصادی به زن می‌دهد مهریه است. قرآن کریم در موارد متعدد نسبت به رعایت این حق جامعه را مخاطب قرار داده است و نسبت به تعدی و نادیده گرفتن این حق هشدار داده و چنین کاری را به عنوان گناهی آشکار قلمداد کرده است (نساء/۲۱ و ۲۲) از مجموع این آیات به دست می‌آید مالکیت زن مانند مالکیت مرد امری حقیقی است و لازم است جامعه ایمانی به این حق با احترام بنگرد.

## • جبران کمبودهای مالی زنان بی سرپرست

جدایی میان زن و مرد که با طلاق یا مرگ اتفاق می افتد می تواند آسیب های جدی مالی برای زنان به همراه آورد. قرآن کریم برای جبران این آسیب مردان را موظف می کند قبل از وفات وصیت کنند برای همسرانشان - چنانچه خود بخواهند - زمینه ای فراهم شود تا یک سال مخارج زندگی شان فراهم باشد. همچنین برای افرادی که در رتبه ایمانی متقین قرار دارند و زنان خود را طلاق می دهند حکم خاصی را بیان کرده است و آن این که مقدار قابل ملاحظه ای از اموال را که با جایگاه مالی وی متناسب باشد به زن بدهد. (بقره/۲۴۲-۲۴۰) برخی مفسران آیه نخست را ناظر به مدت زمان عده وفاتی دانسته اند که در دوران جاهلیت وجود داشته است و به وسیله آیات ناظر به عده وفات نسخ شده است (مکارم شیرازی، همان: ۲/۲۱۱) ولی به نظر می رسد حکم موجود در آیه شریفه مطلب مستقلی را درباره پشتیبانی مالی زنان زمینه سازی کرده است و در هر زمانی قابل اجرا می باشد. (قرشی، ۱۳۷۷: ۱/۴۵۱) زیرا سیاق این سه آیه و تأکید آیه آخر بر تعقل در محتوای این احکام و همچنین تصریح آیه عده وفات (بقره/۲۳۴) به موضوع عده و عدم چنین تصریحی در این آیات، مفسر را قانع می کند که موضوع آیات را مستقل از آیات عده وفات بداند. از مجموع آیات این سوره (۲۳۴-۲۴۲) چنین دانسته می شود که قرآن در مقام بازسازی جایگاه اقتصادی زنان در خانواده بوده و بیان گر تعریضی بر چگونگی رفتار جامعه نسبت به این موضوع است. با توجه به آن چه بیان شد می توان بازسازی امور اقتصادی زنان را از سوی آموزه های قرآن در این موارد خلاصه کرد: قانونی کردن مالکیت زن بر هر درآمد مالی که دارد، وجوب پرداخت نفقه بر مرد در دوران زندگی مشترک، استقلال مالی زن در ارث، تأکید بر توجه ویژه مرد در زمان فوت بر اختصاص بخشی از اموال برای همسر، تأکید بر اختصاص مالی قابل توجه به زن زمانی که قصد طلاق وجود دارد.

## • تحلیلی بر مسئله ضرب زنان

در این جا این پرسش به ذهن می آید که آیا با توجه به آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ... وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (مردان، سرپرست زنانند، ... و [اگر تأثیر نکرد] آنان را بزنید؛ پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ

راهی [برای سرزنش] مجوید، که خدا والای بزرگ است.» (نساء/۳۴) قرآن کریم خشونت خانوادگی را نهادینه نکرده است؟

در تبیین این آیه مباحث متعددی بیان شده است ولی با توجه به تحلیل آرایه شده نسبت به رویکرد کلی قرآن به خشونت خانوادگی و تحلیل درون‌متنی آیه، استدلال بر نفی خشونت خانوادگی علیه زنان، با ذکر مقدماتی آرایه می‌گردد:

**مقدمه نخست:** با توجه به تحلیل دیدگاه قرآن درباره خشونت خانوادگی مشخص گردید قرآن در هیچ شرایطی خشونت دو زوج را درباره هم بر نمی‌تابد.

**مقدمه دوم:** تحلیل درون‌متنی نشان می‌دهد آیه شریفه که با جمله اسمیه و صیغه مبالغه ساختار یافته است، در روابط خانوادگی حکمی را در بردارد که کارکرد هر کدام از زوجین را بیان می‌کند. همچنین تعبیر " تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ " می‌رساند در این مرحله از زندگی، نشوزی تأثیرگذار شکل گرفته است نه آن که صرف ترس از وقوع نشوز، این احکام جاری می‌شود. (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹: ۱/۲۵-۷۷۰)

**مقدمه سوم:** برای فهم دقیق‌تر این دستور لازم است نسبت به دیدگاه قرآن درباره نظام اجتماع ایمانی آگاهی یافت. قرآن کریم جامعه ایمانی را با عنوان «اخوت» - انما المؤمنون اخوه - و روابط برادر محور می‌ستاید و از سست شدن اجتماع ایمانی بر حذر می‌دارد. از دگر سو، ولایت افراد اجتماع ایمانی را بر یکدیگر برای احساس مسئولیت نسبت به رشدبخشی به جامعه و دیگر برادران ایمانی مورد تأکید قرار داده است. ابزار اعمال این حق با مجوز امر به معروف و نهی از منکر همراه شده است. (توبه/۷۱) بدون شک آن چه در این فرایند اهمیت دارد حفظ امنیت اجتماع، اتحاد آن و استمرار رشدبخشی اعضا به یکدیگر است موضوعی که تحققش در هر اجتماعی - چه اجتماع کوچک باشد یا بزرگ - که با محوریت ایمان شکل گرفته است ضروری می‌نماید.

در آیه ۷۱ سوره توبه که به موضوع روابط میان فردی در جامعه ایمانی می‌پردازد خروجی رفتار مبتنی بر احساس مسئولیت افراد را رسیدن به رحمت الهی می‌داند تا نشان دهد میان احکام الهی و کارکرد صفات خداوند رابطه وجود دارد. این آیه همتایی زن و مرد را در رشدبخشی به جامعه ایمانی ثابت می‌کند و نشان می‌دهد در این باره اولویتی وجود ندارد

بلکه آن چه در محور اهمیت قرار می‌گیرد نتیجه این فعالیت اجتماعی است. در صورت احتمال عدم نتیجه‌بخشی این فعالیت، اصل فعالیت منتفی خواهد بود. بنابراین در جایی که احتمال عدم کارایی وجود داشته باشد تاکید بر حکم خاصی، از حکمت الهی به دور می‌نماید حکمتی که در ذیل این آیه به عنوان محور صدور حکم اعلان شده است.

**مقدمه چهارم:** با این توضیح درباره آیه مورد بحث - آیه ۳۴ سوره نساء - و حکم موجود در آن باید گفت: از آن جا که معمولاً ساختار وجودی مردان نسبت به زنان قوی‌تر (طارق/۷) و روحیه آنها به نوعی صدارت طلبانه‌تر از زنان است امکان پذیرش مدیریت زنان را بر خود برنمی‌تابد و امکان تخلف و سر باز زدن نسبت به خواسته‌های مدیر، وجود دارد و این نکته در دراز مدت باعث از هم پاشیدگی نظام خانواده خواهد شد. بنابراین عدم توجه به این مطلب و اعطای حکم مدیریت منزل به زنان نوعی خروج از دایره حکمت به شمار می‌آید که از ساحت حکیمانه الهی به دور است.

از آن جا که در نظام سیستمی و سازمانی اسلام، وظیفه مدیران رتق و فتق امور اجرایی، اقتصادی، فرهنگی و داشتن برنامه‌های دقیق ارتقاء معنویت سازمانی است، (ر.ک. نوبری، ۱۳۹۶) نیازمند داشتن مجوز اعمال قدرت حکیمانه برای نظم‌بخشی و اثربخشی به نظام سیستمی موجود است. این نکته در نهاد خانواده نیز که نخستین هسته اجتماع بشری و هسته مرکزی آن به شمار می‌آید ضرورت اجرا خواهد داشت. همین نکته باعث شده است که در حکمی تاکیدی یکی از وظایف مهم مردان را در خانواده تلاش برای حفظ و جهت‌دهی اعضا به سمت هدایت الهی و دور شدن از عواقب زیانبار خروج از دستورات شرع و نظام بشری مورد تایید شرع، دانسته است. آن جا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» (تحریم/۶)

لازمه توانمندی مردان به عنوان سرپرستان خانواده در انجام این وظیفه سترگ، اجازة بهره‌گیری از سلسله مراتب تربیت و اعمال امر به معروف و نهی از منکر است؛ نکته‌ای که در ادامه آیه قیومیت مردان آمده است.

**مقدمه پنجم:** برای فهم بهتر آیه مورد بحث باید دانست که در زبان عربی معنای واژگان با توجه به همراهی حروف جاره تغییر می‌کند. واژه «قوام» با توجه به همراهی هر حرف جرّ

دارای مفهوم خاصی است. هنگامی که با حرف جرّ «باء» متعدی شود به معنای سرپرستی و ولایت است و زمانی که با حرف «علی» متعدی شود معنای «محافظة و اصلاح و مراعات» را دربردارد. (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۴۹۸/۱۲)

با این توضیح باید گفت با توجه به این که در آیه این واژه با «علی» متعددی شده است پس معنای آن نه سرپرستی و متولی و نه قیّم و جایگزین بلکه معنای آن مراقبت و محافظت است. همان معنایی که در آیه «قوا انفسکم و اهلیکم نارا» به مردان دستور داده شده است، محافظتی که خانواده را از در افتادن به ورطه هلاکت - که بر اثر عدم تعهد به وظایف ایجاد می شود - بازمی دارد. لازمه این معنا می تواند مدیریت خانواده باشد و نه سرپرستی و سالاری گری. (مجد فقیه، ۱۳۹۴: ۳۰۷)

توضیح این که «قوام» صیغه مبالغه از ماده قیام است تا معنای قیام کننده کامل به امور و اعمال و تدبیر و تنظیم کننده زندگی را انتقال دهد. این کلمه تنها به موضوع قیام کردن به امور دیگران دلالت دارد و بر جهات دیگر مانند برتری و بلندی مقام و مرتبه و حاکمیت و تسلط و نفوذ دلالت ندارد. (مصطفوی، همان: ۳۶۱/۵؛ بلاغی، ۱۴۲۰: ۱۰۵/۲)

طنطاوی نیز در تفسیر خود برای ترکیب «قام علیه» معنایی نزدیک به آن چه گفته شد را پذیرفته است و می گوید: «یقال: قام فلان علی الشی و هو قائم علیه و قوام علیه: اذا کان یرعاه و یحفظه» «این که گفته می شود: فلان بر چیزی ایستاد زمانی است که آن چیز را محافظت کرده و مراعات می کند.» (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱۳۶/۳) برخی از دیگر تفاسیر نیز این ترکیب را ناظر به وظیفه مرد نسبت به اموری مانند رسیدگی به خوراک و پوشاک و اموری مانند آن دانسته اند. (راوندی، ۱۴۰۵: ۱۱۷/۲)

**نتیجه نخست:** با توجه به آن چه درباره جایگاه نظام خانواده در شکل گیری جامعه سالم و ضرورت وحدت گزینی در اجتماعات ایمانی از سویی و وجود وظیفه محوری هر فرد ایمانی در اولویت بخشی به رشد و تعالی افراد جامعه و جایگاه وظیفه شناسی در نظام خانواده برای رسیدن به اهداف کلیدی آن مانند آرامش دهی و تاکید بر برطرف ساختن نیازهای افراد خانواده توسط دیگر اعضا و همچنین با توجه به احتمال بد رفتاری و بی توجهی برخی افراد در برخی زمان ها نسبت به این وظایف از سوی دیگر، قرآن کریم در برطرف ساختن چنین

اتفاقی که از سوی زن شکل می‌گیرد - با ضرورت انجام مراحل، آن گونه که آمده است - سه نوع رفتار بازدارنده را بر اساس اولویت بیان داشته است تا ضمن نشان دادن جایگاه وحدت‌بخشی خانواده نسبت به هرج و مرج رفتاری از سوی اعضا و جلوگیری از سوءاستفاده هر کدام نسبت به جایگاه خود، این نظام تربیت‌ساز را از خطر از هم پاشیدگی برهاند. از سوی دیگر شکل‌گیری انحراف مرد از انجام وظایف خود را نسبت به همسر پیش‌بینی کرده و برای رسیدن به اهداف پیش‌گفته دستورالعملی را صادر کرده است. (نساء/۱۲۴)

**نتیجه دوم:** با این توضیح باید گفت قرآن کریم سه حکم متوالی را در صورت شکل‌گیری نشوز از سوی زن بیان می‌کند که با دقت در آنها، مراحل عملی امر به معروف و نهی از منکر تداعی می‌گردد. مرحله نخست مرحله زبانی است. در این مرحله مرد باید با عظوفت و خیرخواهی، همسر را موعظه کند و پیامدهای عدم تمکن وی را به او نشان دهد. این مرحله ناظر به مرحله منطقی گفتاری و توجیه رفتار و پیامد آن است. مرحله بعد که در صورت عدم پذیرش و کارکرد مرحله نخست است ناظر به رفتار عملی در پایین‌ترین سطح است یعنی کناره‌گیری از بستر و بی‌توجهی به همسر است تا او را نسبت به رفتارش آگاه کند. نباید این مرحله به خروج مرد از منزل منجر شود و یا رفتاری زنده از سوی مرد باشد زیرا تعبیر قرآن «هجرت از مضاجع (بستر)» نیست بلکه «هجرت در بستر» است. مرحله سوم که در صورت عدم کارکرد دو مرحله نخست اجرا می‌شود و ناظر به اهمیت موضوع - مسائل زناشویی - در استمراربخشی نهاد خانواده است. با تعبیر «و اضربوهن» آمده است.

نکته مهم این که با توجه به این مطلب که این اقدامات در راستای حکم کلی امر به معروف و نهی از منکر است، باید در اجرای مرحله سوم به این موضوع توجه شود که اجرای آن در صورت احتمال نتیجه‌بخشی است زیرا همه این اقدامات با هدف آسیب‌زدایی در نهاد خانواده انجام می‌گردد. بنابراین در صورت عدم احتمال، اجرای آن نیز جایز نیست. (مجد فقیه، همان: ۳۰۱) به عبارت دیگر ضرب در این جا جنبه طریقت دارد نه موضوعیت به همین علت اجرای آن با احتمال عدم کارآیی، جایز نیست.

در این باره لازم است گفته شود آنچه از این آیه به دست می‌آید ضرورت توجه به مراحل امر به معروف و نهی از منکر است نه نوع عملکرد فرد در هر مرحله، چراکه عملکرد سه‌گانه

فوق صرفاً پیشنهاد شارع برای رفع نشوز شکل گرفته است بنابراین اگر کسی آن‌ها را انجام ندهد گناهی مرتکب نشده است. (زنجانی، همان)

محدوده ضرب نیز در روایات مشخص شده است و آن به گونه‌ای است که آسیب بدنی در زن ایجاد نشود و فقط با هدف رفع نشوز باشد بنابراین ضرب برای انتقام یا هر عنوان دیگری ضمان را به همراه دارد.

### پاسخ دیگر به شبهه

بنابر آنچه به تفصیل بیان گردید می‌توان پاسخ دیگری را با ذکر مقدمات ذیل بیان کرد:  
**مقدمه نخست:** اجرای این حکم برای فردی با تراز ایمان از نوع رشدیافتگی قرآنی است.  
**مقدمه دوم:** با توجه به آیه «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَظْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَظْلَمُونَ» (زمر/۹) باید چنین گفت که فرد مؤمن با تراز قرآنی دارای دانشی فراگیر است که شرایط بحران و محدوده و چگونگی اجرای حکم الهی را می‌داند.

**نتیجه نخست:** با توجه به این مقدمات باید گفت در واقع در این آیه مرد دارای دانش کافی، به جای حاکم، مجری حکم قرار داده شده است بنابراین لازم است در اجرای حکم نهایت عدالت را به کار بندد. در واقع این حکم بیانگر تعزیر فرد خاطی است که اجرای آن توسط همسر دارای شرایط لازم و به منظور بازدارندگی اجرا می‌گردد.

**نتیجه دوم:** این نشان می‌دهد حتی المقدور مسائل خانوادگی باید در خانه حل و فصل شود. و از علنی کردن آن جلوگیری شود مگر زمانی که احقاق حق جز به صورت رجوع به حاکمیت امکان نداشته باشد و اجرای حکم در خانه و توسط یکی از دو زوج مفسده بیشتری از علنی شدن مشکلات خانوادگی داشته باشد.

**نتیجه سوم:** اگر این پرسش مطرح شود: که چرا این حکم در سوی دیگر نشوز جاری نمی‌شود پاسخ این است که احکام تابع بالاترین مصالح است و از آنجا که اگر چنین اجازه ای به زن داده می‌شد احتمال اجرا و احقاق حق زن به علت توان بیشتر مردان در نپذیرفتن حکم الهی و سرباز زدن از آن، به حداقل می‌رسید در این حالت حکم مزبور خاصیت بازدارندگی را از دست می‌داد لذا در این حالت زن موظف است احقاق حق را از مسیر

قدرت حاکمیت انجام دهد تا در این راه دچار آسیب بیشتر نگردد همچنین باید به این نکته نیز اشاره کرد که یکی از شرایط قضا و حاکم مرد بودن است بنابراین تشخیص جرم و اجرای حکم در صلاحیت زن نیست. (بحرانی، بی‌تا: ۱۲۱/۱۰) گرچه این حکم بنا بر فرض متعارف مسئله است اما اگر زنی به علت کسب نیروی اجتهاد یا تقلید از مجتهد و توان شناخت و تشخیص مراتب تراحم احکام را داشته باشد بعید نیست جواز اجرای مراتب بالای نهی از منکر نیز برای او جایز باشد. (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹: ۷۷۱۲/۲۵) زیرا اصل حجیت امر به معروف و نهی از منکر زن نسبت به مرد از اطلاق آیه هفتاد و یک سوره توبه ثابت قابل است.

**نتیجه چهارم:** این پاسخ روند اجرای این دستور را مانند خشونت‌های پذیرفته شده در دادرسی‌های متداول مثل قصاص یا تعزیر از سوی قاضی تحلیل می‌کند که با فرض شکل - گیری جامعه ایمانی با تراز حداکثری خواهد بود. بنابراین چنین جوازی برای هر مردی صادر نشده است زیرا مفسده چنین اقدامی از سوی افراد بی اطلاع از ماهیت حکم و نحوه اجرای آن به مراتب بیش از مصلحت موجود در حکم خواهد بود. دلیل این است که آنچه باعث حضور افراد برای احقاق حق به دادرسی‌های حکومتی است وجود قدرت و آگاهی قاضی به احکام و چگونگی اجرای عدالت است که در فرض مذکور این دو شرط لازمه یک فرد (مرد) ایمانی در خانواده دانسته شده است.

### نتیجه‌گیری

بررسی موضوع خشونت خانوادگی از نگاه قرآن نشان می‌دهد قرآن کریم ضمن نفی هرگونه رفتار خارج از متعارف در خانواده، در فرایندی مشخص تلاش می‌کند فرهنگ عمومی جامعه را اصلاح و آن را به سمت رفتارهای معروفانه سوق دهد. برای این منظور در دو سطح کلی؛ ارایه برنامه‌های فرهنگی و زمینه‌ساز و بازسازی خشونت‌های موجود، موضوع خشونت‌های خانوادگی را دنبال کرده است. در این باره ضمن بیان عوامل بسترساز خشونت در خانواده به جایگاه رفتارهای اخلاق محور از سویی و با ارایه راهکارهای عملی و احکام اجرایی از سوی دیگر تلاش کرده است تا فرهنگ موجود در برخی جوامع انسانی را سامان داده و از موارد غیر فرهنگی رفتارهای خشونت محور نیز جلوگیری نماید. تحلیل این فرایند و بررسی درون متنی آیه ۳۴ سوره نسا نشان می‌دهد شبهه‌ای که برخی با استناد به این آیه بیان می‌کنند

جایگاهی نداشته و قرآن از ارایه هر نوع خشونت خانوادگی مبرا است و چنین شبهه‌ای از عدم آگاهی کامل نسبت به دیدگاه قرآن در این باره و عدم تحلیل مناسب از آیه مورد ادعا نشأت گرفته است.

### منابع:

- قرآن کریم.
- ۱. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، محقق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، چ اول، ۱۴۱۹ ق.
- ۲. ابن منظور، محمد، لسان العرب، مصحح امین محمد عبدالوهاب و محمد الصادق العبیدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۶ ق.
- ۳. افروز، غلامرضا، «خانواده متعالی در سایه حقوق عاطفی»، فصلنامه خانواده و پژوهش، ش ۱ (دوره ۱۷)، ۱۳۹۹.
- ۴. بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمان فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
- ۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت - لبنان، دار العلم للملایین، چ اول، ۱۴۱۰ ق.
- ۶. حسن زاده، رمضان، روانشناسی خانواده عشق و ازدواج (مدیریت خانواده)، تهران، ساوالان، چ سوم، ۱۳۹۷.
- ۷. راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة‌الله، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چ دوم، ۱۴۰۵ ق.
- ۸. سبزواری، نجفی محمد بن حبیب‌الله، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چ اول، ۱۴۰۶ ق.
- ۹. سید رضی، محمد، نهج البلاغه، قم، مؤسسه نهج البلاغه، چ اول، ۱۴۱۴ ق.

۱۰. شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، چ اول، ۱۴۱۹ ق.
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرائع، قم، کتابفروشی داوری، چ اول، ۱۳۸۶ ق.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. طالقانی، سید محمود، یرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ چهارم، ۱۳۶۲.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. طنطاوی، محمد، التفسیر للوسیط القرآن الکریم، مصر، نهضت المصر، چ اول، ۱۹۹۷ م.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. فلاحیان، حسین، نیلوفر میکاییلی، متین یوسفی مریدانی، «پیش بینی روابط فرزندناشویی براساس کیفیت عشق سبک های حل تعارض زوجین و تعهد زناشویی»، فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده، ش ۱ (پیاپی ۹)، ۱۳۹۸.
۱۸. فنی، زهره، «بررسی خشونت نسبت به زنان، سمینار زن در یافته های نوین پژوهشی»، مجموعه مقالات پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۸.
۱۹. قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چ سوم، ۱۳۷۷.
۲۰. قمی، عباس، سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار، قم، کوثر ادب، ۱۳۸۸.
۲۱. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۲۲. مجد فقیه، محمدعلی، اسلام و نفی خشونت با رویکرد مبتنی بر جنسیت و خانواده، تهران، حکمت و اندیشه، چ اول، ۱۳۹۴.
۲۳. محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن، کفایة الأحكام، ۲ جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۴۲۳ ق.
۲۴. مدرس، سید محمدتقی، تفسیر هدایت، ترجمه احمد آرام، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۳۷۷.
۲۵. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز کتاب لترجمة و النشر، چ اول، ۱۴۰۲ ق.
۲۷. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، چ اول، ۱۳۸۰.
۲۸. مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چ اول، ۱۴۲۴ ق.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب \*، چ اول، ۱۴۲۴ ق.
۳۰. نوبری، علیرضا، معنویت قدسی از نگاه قرآن با رویکرد تحلیل سازمانی، قم، دفتر نشر معارف، چ اول، ۱۳۹۶.
۳۱. هنرپروران، نازنین، بررسی مشخصات و ویژگی شخصیتی زوجین و ارتباط آن با میزان شیوع و نوع خشونت خانگی در همسران جانباز و شاهد استان فارس، بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی استان فارس، ۱۳۸۸.